



پیشگویی امام علی(ع) درباره شهادت یار ایرانی خود «میثم تمار»

در نخستین دیدار میثم تمار و امیرالمؤمنین(ع)، حضرت از او نامش را می‌پرسد که پاسخ می‌شود: سالم! حضرت می‌فرماید: اما پیامبر خدا(ص) به من فرمود پدرت اسم تو را در ایران و در سرزمین خودت «میثم» گذاشته است.

22 ذی‌الحجه، سالروز شهادت میثم تمار

پیشگویی امام علی(ع) درباره شهادت یار ایرانی خود «#میثم تمار»

در نخستین دیدار میثم تمار و امیرالمؤمنین(ع)، حضرت از او نامش را می‌پرسد که پاسخ می‌شود: سالم! حضرت می‌فرماید: اما پیامبر خدا(ص) به من فرمود پدرت اسم تو را در ایران و در سرزمین خودت «#میثم» گذاشته است. به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، 22 ذی‌الحجه سالروز شهادت «#میثم تمار» است. با توجه به اینکه حجت‌الاسلام ابوالفضل هادی‌منش در کتاب «#یاران ایرانی اهل بیت علیهم‌السلام» در کنار پرداختن به یاران ایرانی و مخلص اهل بیت علیهم‌السلام، «#میثم تمار» را نیز در زمره یاران ایرانی معرفی کرده است، با این نویسنده حوزوی به گفت‌وگو نشستیم.

موالی و موالیان یعنی چه؟

حجت‌الاسلام هادی‌منش در ابتدای این گفت‌وگو اظهار داشت: میثم تمار همان‌طور که از اسمش مشخص است، خرما فروشی بود که در کوفه زندگی می‌کرد و از موالیان بود. «#موالیان» عجم‌هایی بودند که در بین عرب‌ها زندگی می‌کردند. موالی به خصوص به ایرانیانی گفته می‌شد که در بلاد اسلامی زندگی می‌کردند. به بیان دیگر به ایرانیانی که از شهر و کاشانه خود آمده بودند و در مناطق عرب‌نشین دنیای اسلام مثل کوفه که یکی از مراکز تشیع بوده، با قبایل عرب زندگی می‌کردند، موالی گفته می‌شد. نویسنده کتاب یاران ایرانی اهل بیت افزود: موالیان در دوره‌های غیر از خلافت حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، نسبت به عرب‌ها بهره کمی از بیت‌المال داشتند. اما حضرت امیر علیه‌السلام در دوران خلافت خودشان این تبعیض‌های اقتصادی را برداشتند. مدیر گروه علمی نویسندگی مرکز تخصصی تبلیغ با بیان اینکه حضرت امیر علیه‌السلام بهره‌برداری موالیان از بیت‌المال را مساوی با عرب‌ها قرار دادند، عنوان کرد: آن حضرت بین عرب و عجم در بهره‌برداری از بیت‌المال، فرقی نگذاشتند و از ایشان معروف است که عرب و عجم را به یک چشم می‌دیدند.

میثم تمار اهل آذربایجان بود

مدیر گروه علمی روش تحقیق و نویسندگی شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم ادامه داد: منطقه‌ای که جناب میثم پیش از اسلام ساکن آنجا بودند و در آن متولد شده بودند، منطقه‌ای به نام ران است که در آذربایجان قرار داشت. وی با بیان اینکه موارد دیگری هم در مورد شهر محل تولد و اقامت میثم ذکر شده است، اضافه کرد: شهرهایی از جمله کرمان و فارس گفته شده، اما در ظاهر، نقل قوی‌تر این است که زادگاه جناب میثم منطقه آذربایجان بوده است. هادی‌منش گفت: برای نوشتن کتاب یاران ایرانی اهل بیت علیهم‌السلام، ابتکاری که در این کتاب انجام دادیم، این بود که سعی کردیم جغرافیای قدیم را با جغرافیای جدید انطباق بدهیم. این کار با استفاده از کتاب «#فرهنگ تطبیقی جغرافیای قدیم و جدید» که آستان قدس رضوی منتشر کرده انجام شد.

وی گفت: کتاب «#فرهنگ تطبیقی جغرافیای قدیم و جدید» یکی از منابع مهم ما در تألیف کتاب یاران ایرانی اهل بیت علیهم‌السلام بود. سعی کردیم محدوده جغرافیایی قدیم را با امروز تطبیق دهیم و با اسم شهرهای امروزی نام ببریم. به این ترتیب جناب میثم تمار، ایرانی و اهل منطقه آذربایجان بوده‌اند.

میثم، آزاد شده امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام

محقق کتاب «#اخلاق نبوت و امامت» ابراز داشت: جناب میثم نیز مانند بقیه موالیان که پس از اسلام برای نزدیکی بیشتر به خاندان طهارت به مناطق عرب نشین آمده بودند، به کوفه آمده بود. ایشان اولین بار امیرالمؤمنین را در کوفه دیدار می‌کند و در آن زمان جناب میثم غلام یک زن عرب بوده و چون موالی بوده خدمتگزاری این خانواده را در کوفه انجام می‌داده است. نویسنده کتاب «#یاران ایرانی اهل بیت» با بیان این مطلب که امیرالمؤمنین علیه‌السلام، میثم را که غلام و برده آن زن عرب بوده، می‌خرد و آزاد می‌کند، یادآور شد: میثم آزاد شده امیرالمؤمنین علیه‌السلام است.

وی افزود: در مورد شخصیت‌های تاریخ اسلام، غیر از ائمه اطهار علیهم‌السلام و نزدیکانشان مطالب زیادی نداریم که بتوانیم دقیقاً در مورد آنها صحبت کنیم. متأسفانه سند محکمی از زندگی این بزرگواران در دست نیست. اما این مطالب و اسنادی که می‌گویم، کلیت آن چیزی است که در منابع معتبر ما ذکر شده است.

کشف راز اول؛ ماجرای عجیب نام «#میثم تمار»

این نویسنده با اشاره به داستان نام میثم گفت: در دیدار اولی که بین میثم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام اتفاق می‌افتد، حضرت از ایشان می‌پرسد که اسم تو چیست؟ و ایشان در پاسخ می‌گوید: «#سالم». حضرت می‌فرماید: اما پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود که پدرت اسم تو را در ایران و در سرزمین خودت، میثم گذاشته است.

هادی منش اظهار داشت: میثم بسیار متعجب می‌شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و جانشین او امیرالمؤمنین علیه‌السلام، درست می‌گویند و اسمش قبلاً میثم بوده است. اما در این منطقه و کوفه هیچکس این را نمی‌داند و کسی از این موضوع با خبر

نیست.

وی ادامه داد: حضرت به میثم می‌فرماید: از امروز نامت همان میثم باشد و همان نامی که پدرت بر تو گذاشت و همان نامی که رسول خدا صلی الله و علیه و آله مرا از آن نام باخبرم کرد. حضرت به میثم که نامش را از میثم به سالم تغییر داده بود، دستور می‌دهند که دوباره به همان نام قبلی برگردد.

مدیر گروه علمی نویسندگی مرکز تخصصی تبلیغ گفت: در واقع میثم، جزو حلقه اول یاران امیرالمومنین علیه‌السلام و شیعیان خاص حضرت قرار می‌گیرد. این مطالبی بود که از آمدن جناب میثم تمار به کوفه و دیدارشان با امیرالمومنین علیه‌السلام و بحث نامگذاری ایشان حکایت می‌کرد.

کشف راز دوم؛ پیشگویی حضرت علی علیه‌السلام از شهادت میثم

وی افزود: ما یک صحنه پررنگ دیگری از جناب میثم داریم که در لایه‌های تاریخ ذکر شده و بسیار روشن است و آن داستان از این قرار است که ایشان یک صبح خدمت امیرالمومنین علیه‌السلام می‌رسد و به منزل حضرت می‌رود. حضرت در چشمان میثم خیره می‌شود و می‌فرماید: به خدا قسم روزی را می‌بینم که به خاطر دوستی تو با من، دست و زبانت را می‌برند و تو را از نخل آویزان می‌کنند. حجت‌الاسلام هادی‌منش با اشاره به این مطلب که طبیعتاً میثم بسیار تعجب می‌کند، عنوان کرد: میثم می‌پرسد: آیا واقعا این اتفاق می‌افتد؟ حضرت می‌فرماید: آری به خدای کعبه قسم که این اتفاق می‌افتد و این رازی است که پیامبر صلی الله علیه و آله به من گفته است. میثم در پاسخ به امیرالمومنین می‌گوید: هرگز پیامبر اکرم دروغ نمی‌گوید و من ایمان دارم همان چیزی که شما فرمودید، اتفاق می‌افتد.

وی با بیان اینکه میثم از این خبر که با محبت امیرالمومنین علیه‌السلام و به واسطه همین محبت، شهید می‌شود، بسیار خوشحال می‌شود گفت: در واقع در زندگی میثم، دو راز (نام قبلی و کیفیت از دنیا رفتن میثم) مکشوف می‌شود که هر دو، رازهایی هستند که امیرالمومنین علیه‌السلام از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را برای میثم می‌گوید.

امام حسین علیه‌السلام نیز از میثم یاد می‌کند

نویسنده کتاب یاران ایرانی اهل بیت ادامه داد: 20 سال از این ماجرا می‌گذرد. امیرالمومنین و امام حسن مجتبی علیه‌السلام به شهادت رسیده‌اند.

وی با پرداختن به این موضوع که در این زمان امام حسین علیه‌السلام به امامت رسیده‌اند، گفت: جناب میثم برای ملاقات امام حسین علیه‌السلام به سمت شهر مدینه حرکت می‌کند. ظاهراً ایشان تا آن موقع مدینه را زیارت نکرده است و برای اولین بار به مدینه می‌آید. میثم سراغ خانه امام حسین علیه‌السلام را می‌گیرد و در آنجا ام سلمه، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌بیند. هادی‌منش بیان داشت: میثم در مورد امام حسین علیه‌السلام سوال می‌کند. جالب اینجاست ام سلمه به میثم می‌گوید امام حسین علیه‌السلام نیز از شما زیاد یاد می‌کنند. طبیعتاً در دوره‌ای که امیرالمومنین علیه‌السلام در کوفه بوده و حسنین علیه‌السلام نیز در کوفه بودند، مطمئناً ملاقات‌هایی بین میثم و اباعبدالله اتفاق افتاده بود و وقتی ام سلمه این خبر را به میثم می‌دهد، میثم خیلی خوشحال می‌شود و می‌گوید دلم می‌خواهد زودتر امام را ببینم.

نویسنده کتاب یاران ایرانی اهل بیت ادامه داد: ام سلمه می‌گوید ایشان در منزل تشریف ندارند و به باغشان رفته‌اند. میثم به دیدار امام حسین علیه‌السلام می‌رود و با این دیدار خاطرات امیرالمومنین علیه‌السلام، در دل امام حسین علیه‌السلام و میثم زنده می‌شود.

پرده برداری میثم از راز شهادت خود نزد ابن زیاد

وی به ماجرای شهادت میثم اشاره کرده و گفت: در نهایت پیشگویی که امیرالمومنین علیه‌السلام در مورد شهادت میثم تمار می‌کند، به واقعیت می‌پیوندد. وقتی عبیدالله بن زیاد حاکم کوفه می‌شود، دستور می‌دهد تا یاران و مرتبطين با امام حسین علیه‌السلام را دستگیر کنند.

حجت‌الاسلام هادی‌منش با بیان دستگیری جناب میثم توسط حکومت، افزود: میثم نیز دستگیر می‌شود و هنگامی که با دستان بسته او را به دیدار عبید الله می‌برند، عبیدالله با تمسخر می‌گوید این برده ایرانی اینقدر مهم شده است که با حسین علیه‌السلام دیدار می‌کند و وارد نهاد سیاست شده است.

وی اظهار داشت: میثم از چهره‌های سرشناس کوفه بوده و همه او را به عنوان شیعه ائمه اطهار می‌شناختند. در جایی نقل شده که ابن زیاد به جناب میثم جسارت می‌کند و از اینکه میثم با دشمنان خلیفه که یزید بوده، رویارویی می‌کند و با امام حسین علیه‌السلام ارتباط گرفته، ایشان را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد.

کارشناس محصولات فرهنگی بعثه مقام معظم رهبری گفت: ابن زیاد تا حدی پیش می‌رود که می‌گوید الآن خدای تو کجاست که تو را کمک کند. میثم خون از چهره پاک می‌کند و می‌گوید در کمین تو و دشمنان است. در نهایت میثم اینقدر درشت‌گویی می‌کند و پاسخ‌های دندان شکن به ابن زیاد می‌دهد که وی می‌گوید چطور جرأت می‌کنی با من این‌گونه صحبت کنی؟ هادی‌منش با اشاره به اینکه در اینجا میثم پرده از پیشگویی حضرت برمی‌دارد، افزود: میثم می‌گوید امیرالمومنین علیه‌السلام به من گفته تو زبان مرا می‌بری و از نخلی آویزان می‌کنی و در پایان مرا می‌کشی. جالب اینجاست که جناب میثم می‌گوید حتی من می‌دانم آن نخل کجاست و آن را می‌شناسم و اگر بخواهی به تو نشان می‌دهم.

سخرانی با دست و پای بریده بالای نخل

مدیر گروه علمی نویسندگی مرکز تخصصی تبلیغ خاطر نشان کرد: ابن زیاد برای اینکه امیرالمومنین علیه‌السلام را دروغگو خطاب کرده باشد، می‌گوید حالا که این‌طور است، من برخلاف آن گفته کار می‌کنم. اما میثم که ایمان کامل به ائمه خود داشته، می‌گوید مولای من هرگز دروغ نمی‌گوید و این به واقعیت می‌پیوندد.

وی با اشاره به این مطلب که در اینجا عبیدالله، میثم را زندانی می‌کند، ادامه داد: میثم در زندان کوفه شروع به سخنرانی می‌کند و زندانیان را علیه حکومت مرکزی بنی‌امیه و یزید و حاکمیت کوفه یعنی عبیدالله، بر می‌شوراند. میثم تمار اینقدر از اینها بدگویی می‌کند تا نظام سلطه مجبور می‌شود ایشان را از زندان خارج کرده و دست و پای ایشان را بریده و بر نخلی آویزان کند.

نوسنده کتاب یاران ایرانی اهل بیت اشاره داشت: جناب میثم هنوز بر بالای دار با دست و پای بریده، دست از برداشتن پرده از چهره کربیه نظام سلطه اموی نمی‌کشد و برای مردم صحبت می‌کند و ظلم حکومت را افشا می‌کند. تا جایی پیش می‌رود که در روز سوم همان جا بالای دار عبیدالله مجبور می‌شود همان پیش‌گویی حضرت امیر علیه‌السلام را رقم بزند.

تحقق وعده امیرالمؤمنین (ع) درباره شهادت میثم تمار

وی گفت: عبیدالله بن زیاد دستور می‌دهد تا زبان جناب میثم را می‌برند و سپس ایشان با نیزه‌ای توسط عبیدالله به شهادت می‌رسد. این‌گونه وعده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره جناب میثم به واقعیت می‌پیوندد.

منابع معتبر برای مطالعه درباره زندگی و احوال میثم تمار

حجت‌الاسلام هادی‌منش در پایان ابراز داشت: اگر خوانندگان راغب باشند مطالب بیشتری از ایشان بخوانند، در «الارشاد» مرحوم شیخ مفید و جلد ششم «الإصابة» و جلد سی و چهارم «بحارالانوار» این مطالب نقل شده و قابل دسترسی و استفاده است.